

بررسی فقهی - حقوقی قرارداد بیمه مهریهمجید صحراگرد دهکردی^۱، دکتر محمود حائری^۲

۱: دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه یزد

۲: استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه یزد

Email: k.keramat8@gmail.com

چکیده

قرارداد بیمه مهریه از جمله عقود مستحدثه به شمار می‌رود. مشکلات خاص پرداخت مهریه و در کنار آن وجود نهاد بیمه سبب شد تا مساله بیمه مهریه به عنوان یک راهکار تضمینی در جهت پرداخت آن مطرح شود. مقاله حاضر درصدد است با روش تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر فقهی، قرارداد بیمه مهریه را از لحاظ فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار دهد. با توجه به بررسیهای انجام شده، آیه «وفوا بالعقود»، آیه «تجاره عن تراض»، روایت «المومنون عند شروطهم»، عقود ضمان، جعاله، صلح، حراست و لزوم رعایت عدالت به عنوان مهمترین مبانی فقهی بیمه مهریه مورد بررسی قرار گرفته و مشروعیت و ضرورت آن به اثبات رسیده است. واژگان کلیدی: بیمه مهریه، مهریه، بیمه، قرارداد، عقود معین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

طرح مساله

تادیه مهریه یکی از مسائلی است که جامعه و خانواده‌ها نسبت به آن نگرانی دارند و برای رفع این نگرانی راهکارهای متفاوتی وجود دارد. بیمه مهریه یکی از این راهکارهاست که می‌تواند مشکلات ناشی از عدم تادیه مهریه را بکاهد. در این قرارداد، در صورت حیات زوج در پایان مدت بیمه‌نامه، تمام اصل سرمایه بیمه‌نامه به صورت کامل به زوجه پرداخت می‌شود. در صورت فوت زوجه پس از گذشت ۶ ماه از تاریخ شروع بیمه‌نامه و

پرداخت حق بیمه مربوطه، ارزش بازر خریدی بیمه‌نامه در وجه بیمه‌گذار پرداخت می‌شود (منبع: سایت بیمه ایران). با توجه به اهمیت این مساله، بررسی فقهی - حقوقی قرارداد بیمه مهریه، هدف پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

۲- کلیات

۲-۱. تعریف بیمه

بیمه در لغت، ضمانت مخصوصی از جان و مال است که در ازای دادن مبلغی به شرکت بیمه، در صورت اصابت خطر بر

جان و مال، شرکت بیمه مبلغ معینی به بیمه‌گذار می‌دهد. در تعریف بیمه آمده است: «عملی است که اشخاص با پرداخت پول، مسئولیت کالا یا سرمایه یا جان خود را بر عهده دیگری می‌گذارند و بیمه‌گر در هنگام زیان، باید مقدار زیان را بپردازد» (دهخدا، ۱۳۷۳، ۴/۴۰۶). در اصطلاح حقوق، بیمه به عنوان عملیاتی تعریف شده که به موجب آن بیمه‌گر تعهد می‌کند که در برابر دریافت مبلغی، در صورت تحقق خطر، به بیمه‌گذار غرامت پرداخت نماید (روژه، ۱۱، ۱۳۷۹).

در اصطلاح فقهی، بیمه بدین معناست که شخصی هر سال مبلغی را به کسی یا شرکتی بدون عوض داده و شرط کند که در صورت ورود ضرر به شخص، آن شرکت خسارت وارده را جبران نماید (خویی، ۱۳۹۷، ۵۴۴).

۲-۲. ماهیت بیمه

۲-۲-۱. بیمه عقدی لازم است

بر اساس اصل لزوم، اصل در همه عقود، لزوم است؛ بدین معنا که به طور کلی همه عقود لازم هستند مگر اینکه دلیلی بر جایز بودن عقدی ارائه شود. می‌توان عقد بیمه را لازم دانست؛ چراکه مواد این قانون مفید این معناست. حق فسخ در مواد ۱۲ و ۱۳ این قانون برای بیمه‌گر و همچنین حق انتقال به ورثه که در ماده ۱۷ به آن اشاره شده، دلالت بر لزوم عقد بیمه دارد.

۲-۲-۲. بیمه عقدی معوض است: در عقد بیمه، بیمه‌گذار باید حق بیمه پرداخت کند و در مقابل بیمه‌گر متعهد می‌گردد که در صورت وقوع حادثه، نسبت به جبران آن اقدام نماید.

۳- بررسی قرارداد بیمه مهریه: قرارداد بیمه مهریه، باید تابع قواعد عمومی قراردادها باشد و از شرایط اساسی صحت عقود و معاملات پیروی نماید. به علاوه برای صحت قرارداد بیمه مهریه، شرایط اختصاصی نیز وجود دارد.

۳-۱. شرایط عمومی قرارداد بیمه مهریه

- قصد طرفین و رضای آنها

آنچه کاشف از قصد و رضای طرفین قرارداد است، ایجاب و قبول خوانده می‌شود. در قرارداد بیمه مهریه، پیشنهاد بیمه از سوی بیمه‌گذار در حکم ایجاب و قبول است و امضای قرارداد بیمه‌ای که مطابق با پیشنهاد تقدیمی است، دلیل قبول بیمه‌گر

محسوب می‌شود. در مقابل اگر پاسخ بیمه‌گر منطبق با پیشنهاد تقدیمی بیمه‌گذار نباشد، در این صورت، پاسخ بیمه‌گر ایجاب جدیدی است که از سوی بیمه‌گر به بیمه‌گذار ارائه می‌گردد و چنانچه بیمه‌گذار، شرایط پیشنهادی بیمه‌گر را بپذیرد، عقد بیمه به دنبال این قبول منعقد می‌گردد (کریمی، ۱۳۸۷، ۷). بر اساس قواعد عمومی قراردادها، فقدان قصد طرفین، موجب بطلان عقد و فقدان یا معلول بودن رضایت آنها، موجب غیر نافذ بودن قرارداد خواهد بود. بر اساس ماده ۱۲ قانون بیمه، معلول بودن رضایت بیمه‌گر را موجب بطلان قرارداد معرفی کرده است که به نظر می‌رسد مغایر با قواعد عمومی قراردادها باشد؛ چراکه بر اساس ماده مزبور، تخلف بیمه‌گذار از اظهار مطالب موثر یا اظهارات کذب را باید نوعی تدلیس محسوب کرد که تنها حق فسخ را برای بیمه‌گر موجب می‌شود.

- اهلیت طرفین

بر اساس ماده ۲۱۱ قانون مدنی، طرفین معامله باید اهلیت داشته باشند. در قسمت دوم ماده ۲۳ قانون بیمه، از اهلیت قانونی بیمه‌گذار بحث شده و در صورت فقدان اهلیت بیمه‌گذار، رضایت ولی یا قیم او را شرط اعتبار قرارداد دانسته است. همچنین بر اساس ماده ۳۱ قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران، داشتن اهلیت، الزامی است.

- موضوع مورد معامله

موضوع مورد معامله در قرارداد بیمه مهریه عبارت است از خطری که بیمه شده به خاطر آن تحت پوشش شرایط بیمه‌ای قرار می‌گیرد. فقها به این مساله توجه دارند و معتقدند در موضوع بیمه، شرط است که هم مورد بیمه، معین باشد و هم نوع خطری که عقد بیمه بر آن واقع می‌شود، باید معلوم باشد (موسوی خمینی، بی تا، ۶۶).

- مشروعیت جهت معامله

از عوامل موثر و مهم در مشروعیت هر قرارداد، داشتن انگیزه و هدف عقلایی برای انعقاد آن است. در قرارداد بیمه مهریه، انگیزه و هدف اصلی از انعقاد قرارداد، رسیدن به آرامش و تامین در برابر خطرات احتمالی ناشی از تادیه مهریه است که انگیزه‌های مشروع به حساب می‌آید. قانون مدنی بر اساس ماده

۳-۱. تمسک به عموماً ادله

۳-۱-۱. آیه «وفوا بالعقود» (مائده: ۱)

معنای تحت اللفظی آیه این است که «به عقدهای خود وفادار باشید». وفا و ایفا، به لحاظ ماده‌ی آن، به معنای «تمام» و «کامل کردن» و «به آخر رساندن» است و منظور از آن در اینجا، عمل به مقتضای آن است و «وفوا بالعقود» به این معناست که باید به مقتضی و لوازم عقد و قرارداد پایبند بود (نراقی، ۱۳۶۲، ۱/۱۳۳).

فقها از امر به ایفا، لزوم نفس عقد و التزام به مفاد آن را استفاده کرده‌اند. فقها درباره‌ی مفاد آیه «وفوا بالعقود» به طور کلی سه دیدگاه مطرح کرده‌اند: گروهی از فقها، آیه را مجمل دانسته‌اند و گفته‌اند: چون درباره‌ی مفاد آیه چند احتمال وجود دارد و هیچ احتمالی بر احتمال دیگر ترجیح ندارد، از این رو، به عموم آیه در صحت و لزوم هیچ عقدی، چه معین و چه نامعین، نمی‌توان استدلال کرد (نراقی، همان). گروه دیگری، عقود را بر عقود معهود و متداول با پیشینه‌ی فقهی حمل کرده‌اند و استدلال به آیه برای صحت عقود نوپدید را صحیح ندانسته‌اند (جمالی‌زاده، ۱۳۸۰، ۲۸۹). گروهی، به‌ویژه فقه‌های متأخر، عقود را بر معنای اعم حمل کرده‌اند و به لحاظ کلمه «العقود» که جمع همراه «الف و لام» است، گفته‌اند اصل در الف و لام، جنس است نه عهد و جمع، افاده‌ی عموم می‌کند. بنابراین، در هر قرارداد و ایجاب و قبولی که عنوان «عقد» از نظر عرف لغت، بر آن صادق باشد، می‌توان به عموم آیه استدلال و آثار و نتایج عقد را بر آن مترتب کرد؛ مگر مواردی که به دلیل خاصی استثنا شده باشند (مراغه‌ای، ۱۴۲۳، ۲/۲۵).

«وفوا» به لحاظ هیئت، صیغه‌ی امر است و امر به دلیل عقل یا اطلاق و مقدمات حکمت یا به سبب وضع، ظهور در وجوب دارد (آخوند خراسانی، ۱۴۲۶، ۱/۹۲). همچنین مفاد آیه «وفوا بالعقود» دلالت بر لزوم وفا به مفاد همه‌ی عقود و پیمان‌ها دارد، زیرا «العقود» چون همراه با «الف و لام» آمده است، در عموم زمانی و افرادی دلالت دارد؛ یعنی هر نوع عقد و پیمانی که در عرف مرسوم است، یا هرگونه عقد و پیمانی که مورد نهی شارع نباشد، مشمول آیه است (آخوند خراسانی، همان).

۲۱۷، مشروعیت جهت معامله را تنها در صورتی که بدان تصریح شده باشد، لازم می‌داند.

۳-۲. شرایط اختصاصی قرارداد بیمه مهریه - تعیین مدت قرارداد

تاریخ شروع و انقضای بیمه، باید دقیقاً در سند بیمه‌نامه معین می‌گردد. بر اساس یک قاعده، شروع بیمه‌نامه، فوری و هم‌زمان با انعقاد قرارداد است. قرارداد بیمه مهریه نیز از این قاعده مستثنا نیست. در عمل، بیمه‌گران، شروع اعتبار بیمه‌نامه را موکول به دریافت اولین حق بیمه می‌کنند (مشایخی، بی-تا، ۱۹۶).

- تعیین خطر مورد بیمه

خطر مورد بیمه در قرارداد بیمه‌ها، باید در سند بیمه‌نامه معین گردد. در بیمه مهریه، خطر احتمالی عبارت است از عدم تادیه مهریه از جانب زوج که بیمه مهریه به نوعی می‌تواند خطر ناشی از آن را بکاهد.

- تعیین میزان حق بیمه و نحوه پرداخت آن

میزان حق بیمه و همچنین نحوه پرداخت آن، در بیمه‌نامه تعیین می‌گردد. در رابطه با پرداخت حق بیمه، مسأله اختیاری بودن پرداخت حق بیمه از سوی بیمه‌گذار و ضمانت اجرای عدم پرداخت اقساط حق بیمه قابل بررسی است. بیمه مهریه نیز همچون سایر انواع بیمه، از این شرط مستثنی نیست.

- تعیین میزان سرمایه بیمه و نحوه پرداخت آن

بر اساس ماده ۲۳ قانون بیمه ایران، مبلغ سرمایه بیمه، باید در سند بیمه‌نامه معین گردد. بر اساس ماده مزبور، «در بیمه... باید به طور قطع در موقع عقد بیمه، بین طرفین معین شود...». بیمه مهریه نیز دارای میزان سرمایه و نحوه پرداخت است.

۳-۳. ادله مشروعیت بیمه مهریه

مشروعیت یافتن هر عقدی، صرف نظر از شروط متعاقدین، متوقف بر چند امر است که بیمه مهریه نیز باید این شرایط را دارا باشد تا از نظر شرعی، صحیح قلمداد شود. موافقان مشروعیت بیمه مهریه در استدلال خود روشهای متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. مهمترین دلایل مشروعیت بیمه مهریه از قرار زیر است:

درصد بیان اسباب مشروع معاملات و تمایز آنها از اسباب باطل و غیر صحیح تملک و تصرف در اموال یکدیگر است؛ در غیر این صورت، اهمال صورت گرفته و اهمال مخل به این مقصود است؛ پس آیهی شریفه، بیانگر انحصار و تمایز بین اسباب باطل و صحیح تملک اموال است (خویی، ۱/۴۱۲، ۵۳). به عبارت دیگر، از مفاد آیه استفاده می‌شود که تملک اشیا بر یک شرط متوقف است و آن «تجاره عن تراض» است که در عرف تجاری همان انشای عقد و رضایت طرفین است. در نتیجه می‌توان گفت که بیمه مهریه مصداق اکل مال به باطل نیست.

۳-۱-۳. روایت «المومنون عند شروطهم»

مضمون این روایت از چنان شهرت و اعتباری برخوردار است که به صورت قاعده‌ی فقهی مورد استناد فقیهان قرار می‌گیرد. در اعتبار سندی این مضمون جای هیچ خدشه‌ای نیست و صدور آن از پیامبر (ص) و امامان (ع) مورد وثوق و اطمینان است (نراقی، ۱/۱۳۶۲، ۱۰۰؛ مراغه‌ای، ۲/۱۴۲۳، ۲۷۲).

فقه‌های متقدم و متأخر به مضمون این روایت عمل کرده‌اند و در فتاوی خود به آن استناد کرده‌اند. از مفاد حدیث چنین برمی‌آید که بر هر مسلمانی واجب است که به التزامات، تعهدات و شروط خود حتماً پایبند باشد و اگر در مورد کاری، برای کسی انشای تعهد و التزام کنند، باید به آن عمل کرد.

مقتضای عموم مذکور در حدیث، لزوم وفای به شرط است و هرآنچه را انسان برای دیگری ملتزم و متعهد می‌شود و به او وعده می‌دهد، لازم است انجام دهد و به آن وفا کند؛ خواه شروط ابتدایی یا شروط ضمن عقد باشد (نراقی، همان، ۴۸-۴۵). این روایت از جمله روایاتی است که برای صحت عقود غیرمعمین (بیمه‌ی مهریه) بر آنها استدلال شده است. روایت از نظر سند شهرت دارد، پس به صورت یک قاعده‌ی فقهی مورد استناد قرار گرفته است (موسوی بجنوردی، ۳/۱۳۷۶، ۲۲۰).

شیخ انصاری در این مورد می‌فرماید: «استدلال این قاعده مبتنی بر این است که شرط را مطلق الزام و التزام بدانیم» (انصاری، ۳/۱۴۲۰، ۲۷). در این صورت حدیث بر وجوب عمل به تمامی عقود و شروطی دلالت می‌کند که اشخاص در هر زمانی منعقد می‌کنند و عقد بیمه از مصداق عقود عرفی است، لذا التزام به مفاد آن بر اساس حدیث نبوی ضروری

صاحب‌العروه‌الوثقی نیز انحصار در عقود را نمی‌پذیرد و معتقد است که برای مشروعیت عقود نوظهور به دلیل خاص نیاز نیست و به مقتضای عمومات، هر معامله‌ی عقلایی صحیح است مگر اینکه دلیل خاصی برای عدم صحت آن داشته باشیم (طباطبایی یزدی، ۱/۴۲۲، ۷۱۰). در نتیجه هرگونه عقدی که بر اساس رضایت طرفین پدید آید، صحیح است (صادقی مقدم، شکوهی نژاد، ۴۳، ۱۳۹۲). در نتیجه می‌توان با تمسک به عموم آیه مزبور صحت بیمه مهریه را اثبات کرد.

۳-۱-۲. آیهی «تجاره عن تراض» (نساء: ۲۹)

در ارتباط با این آیه بحث بر سر این موضوع است که آیا این آیه، مفید استثنای متصل است یا منفصل؛ چنانچه استثنا را متصل بدانیم، «الّا» مفید حصر خواهد بود و بدین معناست که آیه در صدد تمایز اسباب صحیح و باطل تملک است و اسباب صحیح تملک را منحصر در تملک از روی رضایت می‌داند. برخی فقها معتقدند از آنجا که تجارت از روی تراضی، داخل در اکل مال به باطل نیست، پس استثنا منفصل است و در این صورت، دو کبرای کلی از آیه استخراج می‌شود: نخست، اسباب باطل تملک اموال دیگران ممنوع است و معاوضه از راه باطل فاسد است و دوم، تجارت از روی تراضی، از اسباب باطل تملک نیست (انصاری، ۲/۱۴۲۰، ۱۱۰).

بنابراین، اگر در عرف مردم چیزی مصداق سبب باطل تملک یا مصداق تجارت از روی تراضی باشد، حکم آن روشن است. اگر موردی مردد و مبهم باشد که داخل کدام یک از عناوین است، چون آیه درباره‌ی حکم آن مجمل است، در مورد آن، نمی‌توان به این آیه تمسک کرد. اما چنانچه استثنا را متصل بدانیم، مفید حصر خواهد بود و با توجه به اطلاق «تجاره عن تراض» می‌توان با استناد به آیه، همه‌ی قراردادهای نوظهور و مشکوک‌الصحه را صحیح دانست؛ زیرا ملاک صحت معامله، صدق عرفی تجارت بر مورد عقد است و هرچه از نظر عرف، مصداق «تجاره عن تراض» باشد، آن معامله حلال و صحیح است. برخی از فقها نیز معتقدند که آیه در هر صورت، مفید حصر است. اگر استثنا متصل باشد، ظهور در حصر دارد و اگر منفصل باشد، به دلیل قرینه‌ی مقامیه، باز حصر استفاده می‌شود؛ چون شارع

خواهد بود(برهانیان و نقیبی، ۱۳۸۶، ۱۲۲- ۱۲۸). سرانجام، اینکه در باب عقود و تعهدات و ضمانت ها وارد شده‌اند، یعنی آیات و روایاتی که درباره‌ی آنها بحث کردیم، این قراردادها را نیز در بر می‌گیرند.

۲-۳. مشروعیت بیمه‌ی مهریه در قالب عقود معین

۱-۲-۳. بیمه مهریه و ضمان

عده‌ای از فقها بیمه مهریه را با عقد ضمان مقایسه نموده و در نتیجه به مشروعیت آن نظر داده‌اند. در ضمان دین که ضامن از مدیون ضمانت می‌کند، خصوصیات آن به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را با بیمه مقایسه نمود، اما در ضمان عین مغضوب یا غیر مغضوب که شخص ضامن عین مال می‌گردد و همچنین در ضمان عهده و ضمان درک که اگر شخصی مالی را خریداری نماید ولی از اینکه مال مستحق للغير باشد نگران است و شخص ثالثی ضمانت می‌نماید که اگر مال مستحق للغير درآید وی ضامن پرداخت پول آن به خریدار می‌باشد، خصوصیات بیمه دیده می‌شود. امام خمینی (ره) فرموده‌اند که عقد بیمه می‌تواند یکی از شقوق ضمان بوده باشد(بی‌آزار شیرازی، ۲۳۶/۱۳۶۲، ۴). آیت الله شیخ حسین حلی نیز قرارداد بیمه را قابل انطباق با عقد ضمان دانسته‌اند(حلی، ۱۴۰۵، ۲۴). شیخ محمد ابو زهره یکی از علما و حقوق‌دانان مصر قرارداد بیمه اتومبیل را با ضمان مقایسه کرده و آن را عقدی مشروع دانسته است. به نظر وی قرارداد بیمه‌ی اتومبیل به منظور ضمانت جبران خسارت است و اشکالی ندارد(الدسوقی، ۱۳۸۷، ۲۰).

آیت الله سید محمد مفتی الشیعه معتقد است که بیمه بر دو نوع است:

یکی آن که شخص پیمان می‌بندد که مبلغ معینی به شخص یا شرکت معینی بدون عوض بدهد و آن شخص یا شرکت در صورت ورود خسارت بر خانه یا ماشین یا تجارت-خانه یا...، خسارت وارده بر او را جبران نماید. این قسم از بیمه را می‌توان داخل عقد ضمان کرد و همان‌طور که ضمانت از دیون جایز است ضمانت از اعیان نیز جایز می‌باشد ولو آن که اعیان در نزد صاحبش باشد. پس عقد بیمه مهریه یکی از مصادیق عقد ضمان است؛ مشروط بر این که مضمون له مبلغ

معینی را در هر سال یا هر ماه پرداخت کند. نوع دوم بیمه آن است که جماعتی از صاحبان سرمایه صندوق تعاونی مشترک تاسیس می‌کنند و قرار بر این می‌شود که اگر خسارت معینی بر یکی از اعضا وارد شود، شرکای صندوق، خسارت وارده بر عضو زیان‌دیده را بپردازند و جبران نمایند. این بیمه را علاوه بر این که می‌توان از عقود مستقلة تلقی نمود و یا داخل در عقد صلح کرد، می‌شود داخل در عقد ضمان هم نمود(عرفانی، ۱۳۷۱، ۱۳۸).

۲-۲-۳. بیمه مهریه و جعاله

طبق تعریف ماده‌ی ۵۶۱ قانون مدنی ایران جعاله عبارت است از التزام شخص به ادای اجرتی معلوم در مقابل عملی اعم از این که طرف معین باشد یا غیرمعین.

بعضی از فقها معتقدند که در جعاله احتیاج به قبول نیست و صاحب شرایع جعاله را در باب ایقاعات مورد بحث قرار داده است(محقق حلی، ۱۳۹۶/۱۱۳، ۲).

با توجه به این که بیمه عقدی است که طرفین خود را ملزم به پرداخت مالی به طرف دیگر می‌کنند عده‌ای از فقها آن را از مصادیق جعاله دانسته‌اند. آیت الله سید محسن حکیم از فقهای مشهور شیعه قرارداد بیمه را در بحث مربوط به جعاله مطرح کردند(حکیم، ا.بی تا: ۴۲/۲). در نتیجه بیمه کردن مهریه را نیز می‌توان در قالب قرارداد جعاله توجیه نمود.

۳-۲-۳. بیمه مهریه و صلح

عده‌ای از فقها بیمه را با عقد صلح مقایسه و تطبیق نموده و به مشروعیت آن نظر داده‌اند. آنان معتقدند که در عقد بیمه، طرفین در مورد حق بیمه‌ای که بیمه‌گذار می‌پردازد و مبلغی که بیمه‌گر در صورت وقوع خسارت بر عهده می‌گیرد که پرداختکنند با یکدیگر مصالحه می‌نمایند. با توجه به این که عقد صلح مبتنی بر گذشت و تسامح است و معلوم بودن عوض در آن شرط نیست به همین جهت در مقایسه صلح اشکال جهل به عوض که در مورد بیمه وارد می‌شود مطرح نخواهد شد. از طرف دیگر فلسفه‌ی تشریح عقد صلح در اسلام بدان جهت بوده که مردم بتوانند هر معامله یا قراردادی را که در قالب عقود معین قرار نمی‌گیرد، تحت عنوان صلح انجام دهند و با توجه به همین فلسفه‌ی تشریح می‌توان عقد بیمه را که در عقود معین

رسول خدا (ص) فرمود: «الْعَدْلُ مِيزَانُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ أَخَذَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ تَرَكَه سَاقَهُ إِلَى النَّارِ»؛ یعنی عدالت ترازوی خداوند در زمین است، هر که آن را دریابد او را به بهشت سوق دهد و هر که آن را رها سازد او را به دوزخ کشاند(حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۱/۳۱۰).

در صحیحہ ابی‌ولاد، امام صادق (ع) هنگامی که فتوای ابوحنیفه را مردود دانستند، فرمودند: «قَضَى عَلَيْهِ أَبُو حَنِيفَةَ بِالْجَوْرِ وَالظُّلْمِ»(همان: ۱۳/۲۵۵).

امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ، سُبْحَانَ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ وَ نَصَبَهُ لِاقَامَةِ الْحَقِّ، فَلَا تُخَالِفُهُ فِي مِيزَانِهِ وَلَا تُعَارِضُهُ فِي سُلْطَانِهِ»؛ یعنی عدالت میزان خدای پاک است، ترازویی که خداوند آن را در میان مردم قرار داد و آن را برای برپاداشتن حق قرار داده است. بنابراین با خدا در میزان او مخالفت مکن و با او در سلطنت به معارضة برنخیز(کلینی، ۱۳۸۸، ۳/۵۶۸).

عقل نیز بر این امر گواهی دارد. اصولیان شیعی و معتزلی به حسن و قبح عقلی ملتزم هستند و بارزترین مصداق آن را عدل و ظلم می‌دانند و ادراک یا حکم عقل را در این زمینه امری استقلالی دانسته‌اند؛ بدین معنا که عقل بدون استمداد از شرع به این امر دلالت دارد(مظفر، ۱۳۸۷: ۲/۱۶۳). بنابراین قاعده عدالت و لزوم رعایت آن در جمیع رفتارهای مالی و اقتصادی امری مسلم می‌باشد. در مسئله جبران ارزش پول، امکان تحقق عدالت وجود دارد.

وقتی از عدالت به عنوان یک قاعده فقهی سخن می‌رود، منظور اینست که فروعی در خود دارد و در تطبیق مفید است؛ بدین معنا که عدالت، میزان و معیاری برای فقاقت و استنباط است و تمامی برداشتهای فقهی و فتاوی باید با آن سنجیده شود.

شهید مطهری در تبیین قاعده بودن عدالت گفته است: «اصل عدالت از مقیاسهای اسلام است که باید چه چیزی بر او منطبق می‌شود. عدالت در سلسله علل احکام است و نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفت، عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید»(مطهری، ۱۴۰۹، ۱۴). همچنین در جای دیگر می‌فرمایند: «اگر ثابت شود که عدل

تعریف نشده و یکی از عقود مستحدثه است با عقد صلح مقایسه و تطبیق کرد. آیت الله گلپایگانی، بیمه را منطبق با صلح دانسته و معتقدند اگر کسی مبلغی به شرکت بیمه، صلح نموده و شرط کند که در صورت ورود خسارت بر جان یا مال یا ماشین یا منزل او، شرکت بیمه نسبت به جبران خسارت وارده اقدام نماید صحت چنین صلحی بعید نیست و الزام‌آور می‌باشد(گلپایگانی، ۱۳۶۲، ۴۸۸). آیت الله محمد حسن مرعشی عقد بیمه را از مصادیق صلح دانسته‌اند(مرعشی، ۱۳۴۹، ۵۰۲). به نظر آیت الله شیخ حسین حلی قرارداد بیمه با عقد صلح به شرط تحمل خسارت قابل تطبیق است و می‌توان احکام آن را در مورد بیمه نیز جاری ساخت(حلی، ۱۴۰۵، ۳۹). پس بیمه مهریه را می‌توان در قالب عقد صلح توجیه کرد.

۳-۲-۴. بیمه مهریه و عقد حراست

می‌توان گفت که در عقد حراست شخص مبلغی به دیگری می‌دهد تا برای او نگهداری دهد و از او مواظبت نماید و امنیت او را در قبال خطرات احتمالی به عهده گیرد در بیمه نیز چنین است، زیرا بیمه‌گذار مبلغی به بیمه‌گر می‌پردازد که با پرداخت وجه مذکور، امنیت بیمه‌گذار را در قبال حوادث و بروز خسارت عهده‌دار شود و چون عقد حراست یک عقد مشروع است و بیمه با آن تطبیق دارد لذا عقد بیمه نیز مشروع خواهد بود(خامنه‌ای، ۱۳۵۹، ۱۴۲).

۴- لزوم رعایت عدالت

لزوم رعایت قاعده عدل و قسط در حق دیگران از اموری است که مورد تأیید دین اسلام است. عدالت امری است که عقل، آیات قرآن و روایات بر آن تأکید دارند.

خداوند در آیه ۹۰ سوره مبارکه نحل می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَ آيَاتِ ذِي الْقُرْبَى»؛ یعنی خداوند به دادگری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد.

همچنین در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید:

«إِنَّا أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ یعنی به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و میزان را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.

ایجاب می‌کند که فلان قانون باید چنین باشد، نه چنان، اگر چنان باشد، ظلم است، خلاف عدالت است، ناچار باید بگوییم: حکم شرع همین است» (مطهری، ۱۳۵۴، ۱۲۴).

مواردی وجود دارد که بسیاری از فقیهان بر اساس قاعده عدالت حکم کرده‌اند. از جمله صاحب جواهر در مسأله ارش، آنگاه که اهل خبره در قیمت‌گذاری اختلاف کنند، فرموده است: «مقتضای عدالت که در بردارنده حق خریدار و فروشنده باشد، آنست که آراء اهل خبره جمع شود و نسبت گیری شود» (نجفی، ۱۳۹۲، ۲۳ / ۲۹۴). شیخ انصاری بر این عقیده است که اگر عین مثل متعذر شد، مالک باید مطالبه قیمت کند؛ چراکه منع مالک از حقیقت ظلم است و ملزم کردن ضامن به ادای مثل نارواست؛ چراکه میسور نیست و جمع بین دو حق آنست که قیمت عین پرداخت گردد (انصاری، ۱۳۷۴، ۲ / ۳۶۹).

بنابراین قاعده عدالت از اصول کلی است که در فقه به آن استناد می‌شود و شارع احکام شریعت را بر اساس عدالت جعل کرده است و در مواردی شناخت بشر از عدالت را معیاری اثباتی برای شناخت احکام خود قرار داده است که این موارد در جایی است که عرف، حکمی را عدل بداند و شارع آن را ردع نکرده باشد (باقری، ۱۳۹۳: ۹۹). با وجود این اصول کلی احتیاجی به بیان شارع در حکم هر چیزی و به صورت موردی و خاص نیست و ذکر مواردی در کتاب و روایات جنبه مصداقی داشته و در مقام حصر حکم به موارد یاد شده نیست. در نتیجه بیمه مهریه مقتضای عدالت است.

۵- نتیجه‌گیری

قرارداد بیمه مهریه، همچون سایر قراردادها، تابع قواعد عمومی قراردادها بوده و سازگار با موازین فقهی و حقوقی می‌باشد. حکم به صحت و مشروعیت قرارداد بیمه مهریه، از طریق عمومات و اطلاقات ادله همانند آیات «وفوا بالعقود» و «تجاره عن تراض» و روایات «المؤمنون عند شروطهم» و «الناس مسلطون علی اموالهم» و همچنین تطبیق این قرارداد با قواعد عمومی قراردادها که در ماده ۱۹۰ به آن اشاره شده و مقایسه آن با عقود معین فقهی همانند ضمان، صلح، جعاله، حراست و ... صورت گرفته است. در نتیجه قرارداد بیمه مهریه، با هیچ مانع شرعی و حقوقی مواجه نیست.

منابع

کتابها

- ۱- قرآن کریم
- ۲- انصاری، محمد بن امین؛ (۱۳۷۴ق). *فرائد الاصول*، انتشارات مصطفوی، قم
- ۳- انصاری، محمد بن امین؛ (۱۴۲۰). *المکاسب*، مجمع فکر اسلامی، قم
- ۴- آخوند خراسانی، محمد کاظم؛ (۱۴۲۶). *کفایه الاصول*، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، قم
- ۵- برهانیان، عبدالحسین؛ نقیبی، ابوالقاسم؛ (۱۳۸۶). *بررسی مبانی بیمه در اسلام*، زمزمه هدایت، قم
- ۶- بو، روزه؛ (۱۳۷۹). *حقوق بیمه*، ترجمه محمد حیاتی، بیمه مرکزی ایران، تهران
- ۷- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم؛ (۱۳۶۲). *رساله نوین*، موسسه انجام، تهران
- ۸- جمالی زاده، احمد؛ (۱۳۸۰). *بررسی فقهی عقد بیمه*، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، قم
- ۹- حرعاملی، محمد بن حسن؛ (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، موسسه آل‌البیت، قم
- ۱۰- حکیم، سید محسن؛ (بی‌تا). *منهاج الصالحین*، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت

- ۱۱ - حلی، شیخ حسین؛ (۱۴۰۵). بحوث فقهیه، دارالزهرا، بیروت
- ۱۲ - خامنه‌ای، سید محمد؛ (۱۳۵۹). بیمه در حقوق اسلامی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران
- ۱۳ - خویی، سید ابوالقاسم؛ (۱۴۱۲). مصباح الفقاهه، دارالهادی، بیروت
- ۱۴ - خویی، سید ابوالقاسم؛ (۱۳۹۷). توضیح المسائل، [بی‌جا]، کتاب فروشی اسلامیة
- ۱۵ - الدسوقی، محمد؛ (۱۳۸۷). التامین و موقف الشریعه الاسلامیه منه، دار التحریر، قاهره
- ۱۶ - دهخدا، علی اکبر؛ (۱۳۷۳). لغت نامه، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران
- ۱۷ - شکوهی نژاد، رضا؛ صادقی مقدم، محمد حسن. (۱۳۹۲). حقوق بیمه، دانشگاه تهران، تهران
- ۱۸ - کریمی، آیت؛ (۱۳۸۷). کلیات بیمه، تهران، پژوهشکده بیمه
- ۱۹ - طباطبایی یزدی، محمد کاظم؛ (۱۴۲۲). العروه الوثقی، موسسه نشر اسلامی، قم
- ۲۰ - عرفانی، توفیق؛ (۱۳۷۱). قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، انتشارات کیهان، تهران
- ۲۱ - کلینی، محمد بن یعقوب؛ (۱۳۸۸ ق). الکافی، دارالکتب-الاسلامیه، تهران
- ۲۲ - گلپایگانی، محمد رضا؛ (۱۳۶۲). توضیح المسائل، دار العلم، قم
- ۲۳ - محقق حلی، جعفر بن حسن؛ (۱۳۹۶). شرایع الاسلام، اسماعیلیان، قم
- ۲۴ - مراغه‌ای، میر عبد الفتاح؛ (۱۴۲۳). العناوین، موسسه نشر اسلامی، قم
- ۲۵ - مرعشی، محمد حسن؛ (۱۳۴۹). توضیح المسائل، فراهانی، [بی‌جا]
- ۲۶ - مشایخی، همایون؛ (بی‌تا). مبانی و اصول حقوقی بیمه، تهران، مدرسه عالی بیمه
- ۲۷ - مطهری، مرتضی؛ (۱۳۵۴). نظام حقوق زن در اسلام، نشر فرهنگ، تهران
- ۲۸ - مطهری، مرتضی؛ (۱۴۰۹). مبانی اقتصاد اسلامی، انتشارات حکمت، تهران
- ۲۹ - مظفر، محمدرضا؛ (۱۳۸۷). اصول الفقه، ترجمه حمید مسجد سرایی و عباس زراعت، حقوق اسلامی، قم
- ۳۰ - موسوی بجنوردی، محمد؛ (۱۳۷۶). مجموعه مقالات فقهی و حقوقی و اجتماعی عقد بیمه، پژوهشکده امام خمینی (ره)، تهران
- ۳۱ - نجفی، محمد حسن؛ (۱۳۹۲ ق). جواهر الکلام، تصحیح شیخ محمود آخوندی، دارالکتب الاسلامیه، تهران
- ۳۲ - نراقی، احمد بن محمد؛ (۱۳۶۲). عوائد الايام، تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم
- مقالات
- ۱ - باقری، احمد؛ جعفری، جمیله؛ (۱۳۹۳). «مبانی فقهی و حقوقی مشروعیت ضمان دولت در پرداخت خسارت ناشی از کاهش ارزش پول»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۱۰، ۸۷-۱۱۶